

تجرباتی

تحول بنیادین و نقش تکمیلی معلمان ۱۸ / دکتر لیلا سلیقه‌دار
خیاط‌ها، نجارها، بناها و... آماده! ۲۱ / فریبا کوشکی
روش‌های ارزش‌یابی فرایند تفکر ۲۲ / سیدعلی عبداللہی حسینی، علی لطفی
همه‌ی «گرمی»های عالم ۲۴ / پروین نعمتی
داستان‌های مهرگان: آدم‌های کوچک ۲۴ / شهین صادقی
توصیه‌ی عاطفه به معلمان ۲۵ / زهره محبوب دنیوی
کتاب آموزگار: بچه‌های رنگارنگ ۲۶ / محمدحسن رادمنش
آزمونی زیبا برای درس انشا ۲۶ / احمد رمضانپور
از این به بعد کالای ایرانی می‌خریم ۲۸ / اعظم عامری
من دانش آموز شاگردانم هستم! ۲۹ / اصغر ندیری
آموزش وزن به دانش‌آموزان ۳۱ / سهیلا حامدی (جنگ)
پاستل یا پاستیل؟ ۳۱ / راشین شحیب‌زاده
معلم این است! ۳۲ / کبری محمودی

تجرباتی
۵

آموزش ابتدایی

دوره‌ی ۱۶ - شماره‌ی ۵

بهمن ۹۱



گپ و گفتی با آموزگاران، یک سال پس از
تغییرات کتاب‌های درسی پایه‌ی اول ابتدایی

بخش دوم و پایانی

به کوشش: دکتر لیلا سلیقه‌دار

عضو شورای برنامه‌ریزی مجله

تحول بنیادین و نقش تکمیلی معلمان

شاید شما هم جزو آن دسته از افرادی باشید که هنوز هم با شنیدن نام شخصیت‌های نقش‌آفرین در کتاب‌های گذشته‌ی دوره‌ی ابتدایی به وجد می‌آیید و دلتان تنگ می‌شود. حتماً مانند هر معلم دیگری تنها نگاه احساسی به تغییر و تحولات ندارید و باور دارید که تحول در علوم گوناگون و نیز ارتقای شیوه‌های آموزشی، شامل کتاب‌های درسی هم می‌شود و باید به آن‌ها توجه کرد. در این میان، کتاب‌های درسی پایه‌ی اول ابتدایی بیش از سایر کتاب‌ها در پذیرش تغییرات پیش‌تاز بوده‌اند. بر همین مبنا گپ و گفتی با گروهی از معلمان مرتبط با پایه‌ی اول ابتدایی انجام داده‌ایم که در ادامه بخش دوم و پایانی آن را می‌خوانید. مشتاقیم شما هم مانند یک شرکت‌کننده‌ی حاضر در این گفت‌وگو نظر خود را در این زمینه برای ما بفرستید. در این زمینه به مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر همین شماره توجه کنید.

در شماری قبل به شماری از نظرات مثبت و منفی درباره‌ی تغییرات کتاب درسی پایه‌ی اول به‌ویژه درس «ریاضی» پرداختیم. از آن‌جا که دایره‌ی این تغییرات به درس «بخوانیم و بنویسیم» هم کشانده شده است، بخشی از نظرات به آن اختصاص پیدا کرد. **احمدی** که کمی دیرتر به جمع ملحق شده از جمله حاضرانی است که با خط تحریری کتاب مشکل دارد و آموزش آن را به دانش‌آموزان کلاس اول مناسب نمی‌داند. او می‌گوید: «نگارش این شکل به ویژه در برخی دروس برای دانش‌آموزان کار ساده‌ای نیست و به نظر من به مقدماتی احتیاج دارد. شاید لازم باشد این کار به سال‌های بالاتر منتقل شود.»

صفوی هم با وی موافق است. اما **غفوری** راه‌حل را تمرین بیشتر می‌داند. احمدی یکسان نبودن خط در این کتاب و کتاب‌های درسی را علت دیگری برای سخت‌تر شدن خط تحریری برای دانش‌آموزان می‌داند اما این عقیده برای غفوری قابل قبول نیست. به باور او لازم است دانش‌آموزان خط‌های مختلف را ببینند و با آن‌ها آشنا شوند.

پژوهی در ارائه‌ی پیشنهاد و یافتن راه‌حل پیشی می‌گیرد و می‌گوید: «به نظرم در چنین مواردی استفاده از کاغذ پوستی می‌تواند مؤثر باشد. در هر حال، اگر با دانش‌آموزانی روبه‌رو شویم که بسیار بدخط باشند و باوجود تلاش‌های ما خط آن‌ها تغییر نکند، مشکل را باید در مسائل درونی و روان‌شناختی آن‌ها جست‌وجو کنیم.»

مهمانان این گفت‌وگو:

عصمت‌السادات صفوی، آموزگار پایه‌ی اول و کارشناس آموزش ابتدایی با ۲۳ سال سابقه، سرگروه پایه‌ی اول ابتدایی در آموزش و پرورش منطقه‌ی ۱۵ شهر تهران

معصومه نصرآبادی، مدیر دبستان بیت‌الهدی واقع در منطقه‌ی ۱۵ آموزش و پرورش تهران، دارای ۲۴ سال سابقه و تجربه‌ی تدریس و کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

مژگان غفوری محسنی، کارشناس آموزش ابتدایی با ۲۶ سال سابقه‌ی تدریس، آموزگار پایه‌ی اول دبستان امام سجاد(ع)

سمیه قربانعلی‌زاده پژوهی، آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی در دبستان هاجر منطقه‌ی نه شهر تهران، با ۱۴ سال سابقه‌ی آموزش

زهرا شیخ‌عباسی، آموزگار پایه‌ی اول دبستان دکتر شهیدی (شاهد) منطقه‌ی ۱۶ با ۱۲ سال سابقه‌ی تدریس

کتایون احمدی، آموزگار پایه‌ی اول دبستان دخترانه‌ی حافظ واقع در منطقه‌ی ۱۵ آموزش و پرورش تهران، با ۲۲ سال سابقه.



معلمان شرکت کننده در میزگرد

طرح فرش و ریاضی

از خانه‌های خواسته شده می‌پزند و خانه‌ی مورد نظر را نشان می‌دهند. با این وصف، فقط در جلو رفتن در محور موفق بودم و دانش‌آموزان برای بازگشت در محور مشکل داشتند.»

پژوهی تجربه‌ی خود را این طور شرح می‌دهد: «من بچه‌ها را به حیاط می‌برم و از بازی «لی‌لی» استفاده می‌کنم. به نظرم این کار تأثیر بهتری دارد.»

تجربه‌ی صفوی هم به این تجارب و خلاقیت‌ها اضافه می‌شود: «ما قطار الفبا داریم. این قطار دور تا دور کلاس چسبانده شده و روی آن حروف الفبا آمده است. در کنار هر حرف، شکل صدای آن از طریق تصویری که با دهان نشان داده شده، آمده است. این تجربه‌ی خوبی بوده که در این سال‌ها برای یادگیری الفبا مؤثر واقع شده است، بنابراین، از همین روش برای آموزش اعداد هم استفاده کردیم. برای این کار قطار اعدادی درست کردیم که در آن از یک تا ۲۰ آمده است و آن را دور تا دور کلاس روی دیوار نصب کردیم. حالا به یک فلش بزرگ هم احتیاج داشتیم تا دانش‌آموزان با استفاده از آن بتوانند خانه‌ی مورد نظر را نشان دهند. به این ترتیب، حرکت از خانه‌ها را با کمک قطار اعداد انجام می‌دهیم که به نظرم تجربه‌ی موفقی هم بوده است.»

این سؤال برای همکاران ایجاد شد که آیا نشان دادن اعداد به این

اما احمدی هنوز از طرح فرش کتاب ریاضی بیرون نیامده و اشاره به خطر تحریری هم نتوانسته است ذهن وی را از کتاب ریاضی جدا کند. او می‌گوید: «به نظرم خوب بود طرح فرش در کتاب ریاضی هم مرحله به مرحله جلو می‌رفت.» غفوری پاسخ می‌دهد: «این کار صورت گرفته است و در واقع الگویی‌ها و تقارن‌ها همان مراحل قبل از طرح فرش هستند.» احمدی این مورد را کافی نمی‌داند و می‌گوید بهتر است نمونه‌ی دیگر و ساده‌تری از طرح فرش، پیش از این صفحه تکرار شود. کسی با این عقیده مخالف نیست اما همه با ذکر نظرهایشان آن را کامل می‌کنند. غفوری توضیح می‌دهد: «اگر بنا باشد این تکرار صورت بگیرد، لازم است از مطالب دیگر کاسته شود؛ چون همه با شلوغی کتاب مشکل دارند.»

پژوهی هم ادامه می‌دهد: «کتاب ریاضی بچه‌ها با نه ماه تحصیلی و تعطیلی‌ها و... هم خوانی ندارد. این در حالی است که حجم کتاب علوم زیاد شده است و باید به دیگر دروس هم رسیدگی شود. به نظر من جا دارد که کتاب ریاضی حتی تا ۳۰ صفحه کمتر شود.»

او به خاطره‌ی جالبی از روند تجمیع اهداف در کتاب‌های درسی اشاره می‌کند: «روزی داشتم درس می‌دادم و بچه‌های کلاس چهارم هم در حیاط بودند. چند نفر از آن‌ها که زیر پنجره‌ی کلاس من ایستاده بودند، مرا نگاه کردند و بعد هم به دانش‌آموزانم نگاه انداختند. با نگاه

آن‌ها توجه ما هم جلب شد. یکی از آن‌ها که در کلاس اول شاگرد من بود، با تعجب پرسید: «مگر شما کلاس سوم درس می‌دهید؟ چیزهایی را که می‌گویید ما در کلاس سوم یاد گرفته‌ایم. این برای من بسیار جالب و سؤال برانگیز بود که چرا باید آن قدر در اهداف مندرج در کتاب‌های درسی جلو برویم که مطالب مربوط به پایه‌های بالاتر را به دانش‌آموزان یاد بدهیم.»

تجربه‌های محور اعدادی

احمدی با استفاده از این خاطره به تجربه‌ی خود درباره‌ی محور اعداد اشاره می‌کند: «من برای آموزش محور اعداد از کاشی‌های کف کلاس استفاده می‌کنم. دانش‌آموزان در نقش کانگورو



تحول بنیادین



هر چیزی را که همراه خود دارند، روی میز بگذارند و با استفاده از آن‌ها تمرین کنند. گاهی هم به هر کدام یک شماره می‌دهم و آن‌ها با استفاده از آن به تمرین مسائل جمع و تفریق اقدام می‌کنند.»
احمدی هم به شماره‌های دانش‌آموزان در صف اشاره می‌کند و توجه به آن را در یادگیری یکی ده‌تایی مؤثر می‌داند.

پژوهشی که مانند دیگران به نقش بازی در یادگیری دانش‌آموزان بسیار معتقد است، اضافه می‌کند: «من برای آموزش مفهوم و طبقه یک خاله‌بازی تمام عیار در مدرسه راه می‌اندازم. ابتدا از نه جعبه‌ی موز برای ساختن یک کمد با قفسه‌های مختلف استفاده می‌کنم. سپس از دانش‌آموزانم می‌خواهم تا اسباب‌بازی و عروسک مورد علاقه‌ی خود را به مدرسه بیاورند و درون قفسه‌های کمد قرار دهند. بعد آن‌ها در بازی خود از یکدیگر می‌خواهند که مثلاً یکی برود و عروسکی را که در طبقه‌ی دوم در ردیف سمت چپ است، بیاورد. این بازی در یادگیری این مفاهیم بسیار مؤثر است. در درس علوم هم به محیط باز می‌رویم. امسال دانش‌آموزی داشتیم که وقتی از او خواستیم با دقت به اطراف خود نگاه کند، از من پرسید چرا بدنه‌ی این درخت شبیه بیسکویت است و همین، موضوع تحقیقی شد که در روزهای بعد انجام داد.»

از مثالی که غفوری مطرح می‌کند، حدس می‌زنیم که به درس ریاضی بسیار علاقه‌مند است. او می‌گوید: «من برای الگویابی در درس ریاضی نواری را پایین دفتر تکلیف دانش‌آموزانم می‌چسبانم و الگوی را ارائه می‌دهم که آن‌ها باید آن را تکمیل کنند. بعد که پیش می‌رویم، دانش‌آموزان خودشان الگو می‌کشند و خودشان هم آن را تکمیل می‌کنند. گاهی نیز برای این کار از کلاه‌های رنگی و جدولی که در حیاط مدرسه می‌کشیم، استفاده می‌کنم. این در قالب بازی و فعالیت انجام می‌شود و برای دانش‌آموزان جالب است.

از دیگر برنامه‌هایی که به عددخوانی دانش‌آموزان و انجام دادن جمع و تفریق کمک می‌کند، استفاده از کارت‌هایی است که دارای شانزده خانه‌ی چهار در چهار هستند و به صورت تصادفی در آن‌ها اعدادی نوشته شده است. حالا جمع یا تفریقی را مطرح می‌کنم. اگر عدد حاصل را داشته باشد، آن را در خانه مورد نظر قرار می‌دهند. هر کس زودتر

شکل برای دانش‌آموزان مشکل‌آفرین نبوده است؟ صفوی پاسخ می‌دهد: «این کار آمادگی بیشتری را در آنان ایجاد می‌کند. برای مثال، وقتی از دانش‌آموزان می‌خواهیم که عددی را بنویسند که یکان آن ۸ باشد، با این که چنین چیزی در کتاب هم نیامده است، آن‌ها قادر به انجام دادن این کار هستند.»
پژوهشی به یاد دفتر شطرنجی دانش‌آموزان خود می‌افتد و می‌گوید: «من این کار را در دفتر شطرنجی انجام می‌دهم و دانش‌آموزان خانه‌ها را در دفتر خود رنگ می‌زنند و محور را روی آن یاد می‌گیرند. به نظرم این تجربه هم خوب بوده است.»

خاله‌بازی و ریاضی

در این میان، صفوی که گویی نکته‌ی مهمی را به یاد آورده است، می‌گوید: «یکی از دلایل مؤثر بودن شیوه‌هایی که من اشاره کردم این است که برای والدین، هم زمان با هر طرح، جلسه‌ی آموزشی برگزار می‌کنیم. برای نمونه، جلسات تا حالا در مورد فارسی بوده و حالا هم درباره‌ی ریاضی است. هنگامی که می‌خواهیم روش کار با کارت اعداد را به دانش‌آموزان بگوییم، پیش از آن برای والدین جلسات آموزشی برگزار می‌کنیم. در این شرایط نتایج بهتری از کار خود می‌گیریم. هم‌چنین با توجه به کتاب ریاضی، اهداف مورد نظر و تجربه‌ی من، باید همه‌ی آن‌چه در حل مسئله مورد نظر است، در یک جلسه توضیح داده شود. به این شکل مهارت دانش‌آموزانم نیز تقویت می‌شود. البته در این راه استثناهایی وجود دارد اما در کل، نتیجه‌بخش‌تر است.»
شیخ‌عباسی در مورد مسائل جمع و تفریق تجربه‌ی دیگری دارد و توضیح می‌دهد: «من در این‌گونه مسائل از دانش‌آموزانم می‌خواهم



خیاط‌ها، نجارها، بناها و... آماده!



چند نمونه از موضوعات آزمون عملکردی درباره‌ی آموزش مفهوم محیط

ردیف یا ستونی از کارتش تکمیل شود، برنده است.»

فربیا کوشکی

آموزگار دبستان شاهد، سبزوار

دانش آموزان در گروه‌های مختلف و با ایفای شغل‌های متفاوت به درک مفهوم محیط می‌رسند. دانش آموزان را در گروه‌های مختلفی چون گروه خیاط‌ها، گروه نجارها، گروه بناها و نرده‌سازها و... قرار می‌دهیم. بعد به هر گروه با توجه به نوع شغل داده شده، پروژه‌ی کاری داده می‌شود. آن‌ها باید به‌صورت گروهی به‌حل موضوع و مسئله بپردازند.

برای مثال؛ با دادن یک رومیزی مربع یا مستطیل شکل به گروه خیاط‌ها، به آن‌ها گفته می‌شود که می‌خواهیم دور این رومیزی را تور دوزی کنیم. حساب کنید که چند متر تور باید خریداری کنیم. هم‌چنین اگر به‌ازای هر متر توری که می‌دوزید ۵۰۰ تومان مزد بگیرید، در پایان کار از مشتری چه مقدار پول باید دریافت کنید؟

به گروه نجارها یک میز ساده‌ی چوبی داده شده و به آن‌ها گفته می‌شود که می‌خواهیم دور این میز را نوارهای ظریف رنگی بزنیم. محاسبه کنید که به چند متر نوار رنگی نیاز داریم. هم‌چنین اگر در مقابل هر متر نوار که کار می‌کنید ۱۰۰۰ تومان مزد بگیرید، در پایان کار چند تومان مزد دریافت خواهید کرد؟

به گروه بناها گفته می‌شود که می‌خواهیم دور باغچه‌ی مدرسه را سنگ‌چینی یا نرده‌گذاری کنیم. حساب کنید که به چه مقدار سنگ یا نرده نیاز داریم. هم‌چنین اگر در مقابل هر متر سنگ‌چینی یا نرده‌گذاری ۲۰۰۰ تومان مزد بگیرید، مزد شما چند تومان خواهد بود؟

گروه‌ها با در اختیار داشتن متر برای اندازه‌گیری، مداد و برگه‌ی یادداشت شروع به کار می‌کنند با همکاری گروهی به تحلیل و بررسی موضوع می‌پردازند. معلم نیز به‌عنوان ناظر کار یا کارفرما در صورت نیاز گروه‌ها را راهنمایی و هدایت می‌کند.



توصیه به کلاس دومی‌ها و پایه‌های بالاتر

با بیان بیشتر تجارب موفق دوستان، احساس می‌کنیم که به دنیایی از خلاقیت وارد شده‌ایم که انتهایی ندارد. در این میان **مجدفر**، سردبیر مجله، که از ابتدا در میزگرد حضور داشت و ساکت نشسته بود، از سند برنامه‌ی درسی ملی و ضرورت آشنایی معلمان با این سند صحبت می‌کند. او می‌گوید: «بر همین اساس، ویژه‌نامه‌ای با عنوان «هم‌سو با تحول» به‌وسیله‌ی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی به چاپ رسیده است که در آن با مؤلفان کتاب‌های جدیدالتألیف به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. با این همه عده‌ای از آموزگاران از این سند و نیز سند تحول مطلع نیستند و تمام نگرانی‌های آموزگاران پایه‌ی اول حالا به پایه‌ی دوم رسیده است. حاضران چه توصیه‌ای برای این معلمان و در سال‌های بعد برای سایر معلمان دارند؟»

احمدی آماده و مشتاق برای کمک به آموزگاران کلاس دوم این‌طور پاسخ می‌دهد: «ما تلاش کردیم که آن‌چه را در کتاب تغییر کرده بود، در طی سال به معلمان پایه‌ی دوم منتقل کنیم. اگر در مدرسه‌ای این کار صورت نگرفته است، هنوز هم دیر نیست. اولاً معلمان دوم، آموزگاران پایه‌ی سوم را در جریان تغییرات کتاب خود قرار می‌دهند و از طرف دیگر، بین معلمان پایه‌ی اول و دوم جلساتی برگزار می‌شود تا تبادل تجربه و اطلاعات صورت گیرد.»

شیخ عباسی بر نگرش آموزگاران تأکید دارد و می‌گوید: «تغییر ذهنیت بسیار لازم است. من فقط می‌گویم مثبت‌اندیش باشند و با وجود این که به هر حال قبول تغییر سخت است، باید با تلاش و مثبت‌نگری نسبت به نتیجه‌ی آن، زمینه‌ی موفقیت بیشتر را فراهم کرد.»

پژوهی بر موضوع اطلاعات معلم تأکید می‌کند و لازمه‌ی موفقیت را داشتن مطالعات علمی و اطلاعات صحیح معلمان می‌داند.

غفوری هم به «آغاز از خود» تکیه دارد و می‌گوید: «به نظر من لازم است همه‌ی معلمان، کتاب‌های سال قبل از پایه‌ی تدریس خود را به دقت ببینند، در کلاس‌های مرتبط با کتاب‌های پایه‌ی خود شرکت کنند و منتظر کتاب راهنما هم نباشند. با استفاده از منابع گوناگون که اغلب هم در اینترنت در دسترس‌اند، از تغییرات ایجاد شده، دلایل و ضرورت‌ها و نحوه‌ی آموزش آن‌ها مطلع شوند.»

تمام آن‌چه در توصیه به معلمان پایه‌های بالاتر به ویژه پایه‌ی دوم مطرح شد، با دعای خیر و باور به داشتن نتیجه‌ای بهتر از دیروز همراه بود. برای تمام عزیزان شرکت‌کننده در گفت‌وگو و همکارانمان در کلاس‌های درس آرزوی موفقیت روزافزون و منطبق با اسناد تحول‌آفرین در آموزش و پرورش، از جمله سند تحول بنیادین و سند برنامه‌ی درسی ملی را داریم.

روش‌های ارزش‌یابی فرایند تفکر

سیدعلی عبداللہی حسینی - علی لطفی

مدرس‌ان دانشگاه فرهنگیان، مازندران

سرمایه‌گذاری روی سنجش آن‌ها، به منظور ارزش‌یابی آن‌چه در کلاس درس انجام می‌شود، بی‌فایده خواهد بود، در این مقاله سعی داریم راه‌های ارزش‌یابی کردن تفکر و ثبت سوابق را به معلمان عزیز معرفی کنیم. به امید روزی که معلمان محترم بتوانند با استفاده از روش‌های زیر فرایند تفکر دانش‌آموزان را ارزش‌یابی کنند.

در ادامه با هم وارد کلاس پنجمی می‌شویم که معلم آن می‌خواهد با استفاده از روش‌های زیر، فرایند تفکر دانش‌آموزان در درس «زمین ناآرام» از کتاب «علوم تجربی»، صفحات ۵۶ و ۵۷ را ارزش‌یابی و ثبت کند

۱. دانش‌آموزان را در ارزش‌یابی و تعیین هدف‌ها دخالت دهید.

الف) از دانش‌آموزان بخواهید اولویت‌های تفکر خود را تشخیص دهند و درباره‌ی راه‌های بالا بردن توان تفکر خود با دیگران بحث کنند. - موقعی که مشغول انجام دادن فعالیت در گروه هستیم، دلم می‌خواهد بدانم بقیه‌ی دانش‌آموزان هم گروهی‌ام به چه چیزی فکر می‌کنند و چه برداشتی از زمین ناآرام دارند. البته من قدری درباره‌ی خود مطمئن نیستم اما باید اعتماد به نفسم را رشد دهم تا بتوانم با توانمندی بیشتر به فکر کردن درباره‌ی زمین ناآرام بپردازم.

ب) از تأمل دانش‌آموزان درباره‌ی نحوه‌ی تفکر خود به‌عنوان پایه‌ای برای تعیین راه‌کارها استفاده کنید. مثلاً دانش‌آموزان ممکن است دریابند که خودشان در موقع رویارویی با تکلیف، از تفکر تأملی یا فراشناخت^۱ استفاده می‌کنند. در این صورت، معلم ممکن است از آنان بخواهد در زمان ارائه‌ی ایده‌ها، رویکرد تفکر منطقی^۲ یا خلاقانه^۳ را به کار ببرند. برای مثال:

- عزیزم! با توجه به متن صفحه‌ی ۵۷ و راهنمای نقشه‌ی «برایم بگو»، چه چیزهایی درباره‌ی زمین‌لرزه یاد گرفتی؟ دانش‌آموز هم مطالب یاد گرفته شده را بیان می‌کند (تفکر تأملی یا فراشناخت).
- در این صورت، معلم از دانش‌آموز می‌خواهد که از تفکر؛ منطقی و نقادانه استفاده کند؛ مثلاً اطلاعات جمع‌آوری شده از سوی دانش‌آموزان درباره‌ی زمین‌لرزه را ترکیب کند.

- یا در این صورت معلم می‌خواهد که دانش‌آموزان از تفکر خلاقانه استفاده کنند؛ مثلاً چه می‌شد اگر در هیچ جای کره‌ی زمین زلزله نمی‌آمد؟

پ) از پرسش‌های مفید درباره‌ی ارزش‌یابی از خود و دیگران نمودارهای کلاسی تهیه کنید.

موفقیت جنبش مهارت‌های قرن بیست و یکم نیازمند توجه جدی به برنامه‌ی درسی، کیفیت معلم و سنجش است. برای اینکه تلاش‌های قرن بیست و یکم اثربخش باشد، باید این سه مؤلفه به‌طور هماهنگ اجرا شود، در غیر این صورت، اصلاحاتی که انجام می‌گیرد، سطحی و غیرمولد خواهد بود.

امروزه حامیان جنبش مهارت‌های قرن بیست و یکم در سراسر جهان طرفدار روش‌های دانش‌آموزمحور هستند (روترهام و ویلینگهام، ۱۳۹۰: ۶) پس طبیعی است که آموزش «فکر کردن» هم بیش از گذشته مورد تأیید است. امروزه معلمان بیشتری از خود می‌پرسند: «چه‌گونه می‌توانیم به دانش‌آموزان یاد بدهیم که مستقل، خلاق، پرسشگر و ژرف‌اندیش باشند؟» در واقع، اگر بخواهیم دانش‌آموزان ما مبدل به فراگیرندگان موفق و مادام‌العمری شوند که بتوانند با موفقیت مشکلات خود را در محیط مدرسه و خارج از آن حل کنند، باید مهارت‌های گوناگون اندیشیدن را یاد بگیرند.

اگر چنین اعتقاداتی پذیرفته شوند، در کلاس درس هم زمینه‌های لازم برای وادار کردن دانش‌آموزان به تفکر، فراهم خواهد آمد. قبل از اینکه برنامه‌ای را برای آموزش تفکر کارآمدتر تدارک ببینیم، باید برداشت خود را از این که فکر کردن یعنی چه، روشن کنیم. برای این منظور هم باید اقسام مختلف تفکر را که می‌خواهیم در ذهن دانش‌آموزان جا بدهیم، به‌درستی بشناسیم (دانشفر، ۱۳۹۰: ۹).

ارزش‌یابی کردن تفکر اغلب مشکل به نظر می‌آید. هنگامی که درباره‌ی اقسام تفکری که می‌خواهیم دانش‌آموزان فراگیرند، درک بهتری پیدا کنیم و انجام دادن این کارها را هم در برنامه‌ی خود قرار دهیم، ارزش‌یابی ما هم آسان‌تر می‌شود. ارزش‌یابی از تفکر زمانی کارآمد می‌شود که بدانیم به چه چیزی توجه داریم.

به‌عنوان معلم، اغلب تفکر دانش‌آموزان را بدون اینکه حتی آن را درک کرده باشیم، ارزیابی می‌کنیم و اغلب آن‌چه را هم که می‌سنجیم، نتیجه‌ی تفکر است. در ارزش‌یابی از تفکر، باید دانش‌آموزان را نیز در این کار دخالت داد. به این ترتیب، ارزش‌یابی تفکر زمانی ممکن‌تر می‌شود که ما:

- دقیقاً بدانیم دنبال چه هستیم؛
- رویکردهایی را به کار بگیریم که باعث می‌شوند فرایند تفکر دانش‌آموز قابل مشاهده شود؛
- خود دانش‌آموز را هم در این فرایند شرکت می‌دهیم (همان: ۵۱).

با توجه به این مقدمه‌ای که بیان کردیم و با تأکید به این مسئله که سرمایه‌گذاری سنگین روی برنامه‌ی درسی و نیروی انسانی، بدون



می‌توان این فعالیت را با طرح چنین سؤالاتی انجام داد:

- آیا درباره‌ی این موارد فکر کرده‌اید؟
- درباره‌ی زمین‌لرزه چه می‌دانید؟
- برای کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی زمین‌لرزه به چه منابعی نیاز دارید؟
- اگر قرار باشد مصاحبه‌ای صورت پذیرد، بهترین کسی که می‌تواند شما را راهنمایی کند، کیست؟

۲. استفاده از دفترچه‌ی یادداشت روزانه

تهیه‌ی یادداشت‌هایی که با دقت نوشته شده باشند، وسیله‌ی خوبی برای ارزش‌یابی مداوم از طرز تفکر دانش‌آموز است. یادداشت‌ها شکل و انواع مختلفی دارند و با هدف‌های متفاوتی هم تهیه می‌شوند. مثلاً معلم می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد که دفترچه‌ی یادداشت را به منظورهای زیر تهیه کنند:

- ثبت جزئیات یک آزمایش؛
 - نوشتن فعالیت‌های علمی و عملی؛
 - طراحی جدول، منحنی‌ها، نقاشی، عکس و...؛
 - شیوه‌ی تفکر؛
 - بیان گزارش فعالیت‌ها یا ثبت نظرات و پیش‌نهادها
- و... (رستگار، ۱۳۸۱: ۳۱).

الف) یادداشت‌های سازمان‌یافته و باز

در این قسمت می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا به سادگی در مورد آموخته‌های خود چیزهایی بنویسند.

مانند نوشته‌ی زیر:

- امروز معلم از ما خواست تا به اتفاق اعضای گروه، متن ص ۵۷ کتاب درسی علوم را مطالعه کنیم و درباره‌ی آن با یکدیگر به گفت‌وگو بپردازیم اما علی‌رضا این فعالیت را انجام نداد. به نظرم می‌رسد چون از زمین‌لرزه خاطره‌ی خوبی نداشت ولی از آن‌جا که کار کردن در یک فعالیت گروهی باید با علاقه و مشارکت جدی همه‌ی اعضای گروه باشد، با او صحبت کردم و او را دل‌داری دادم. زیرا برایم خیلی مهم بود، به همین دلیل از معلم وقت بیشتری برای انجام دادن این فعالیت درخواست کردم.

ب) تعداد موارد یادداشت‌شدنی را دو یا سه برابر کنید.

برای انجام دادن این مورد می‌توان از دانش‌آموزان خواست که افکار خود را در چند مرحله مانند نمونه‌های زیر ثبت کنند:

• آن‌چه انجام دادم.

- امروز در گروه متن کتاب درسی در خصوص آتش‌فشان و زمین‌لرزه را مطالعه کردم و پاسخ سؤالات معلم را پس از گفت‌وگو دادم. چرا انجام دادم؟

- این صفحه را با مشارکت اعضای گروه انجام دادم تا با مشاهده‌ی نقشه و مطالعه‌ی آن، با شهرهای زلزله‌خیز ایران و برخی علل خرابی‌های

ناشی از زلزله آشنا شوم.

• آن‌چه یاد گرفتم.

- امروز در گروه به این نتیجه رسیدیم که کشور ما سرزمینی زلزله‌خیز است و هرچه شدت زلزله بیشتر و استحکام زمین و ساختمان کم‌تر باشد، میزان خرابی‌ها بیشتر است.

ج) یادداشت‌های گفت‌وگو مانند

معمولاً این قبیل یادداشت‌ها بین معلم و شاگرد نوشته می‌شوند اما می‌توانند بین دو دانش‌آموز هم صورت گیرند.

برای اجرای این فعالیت، می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا نوع تفکرات و احساسات خود را روی کاغذ بیاورند. مانند نمونه‌های زیر:

- امروز نتوانستم با استفاده از راهنمای نقشه، اطلاعات روی نقشه را تفسیر کنم.

- شاید بهتر باشد در جلسه‌ی بعدی از معلم خواهش کنم جایم را عوض کند.

- امروز توانستم صحبت‌هایی را که در گروه با دوستان داشتم، به‌عنوان نماینده‌ی گروه برای بقیه‌ی کلاس مطرح کنم.

پی‌نوشت

۱. به هر نوع فکر هدف‌داری اشاره می‌کند که در آن، فراگیرنده، فعالانه و به‌طور مداوم و با دقت ایده‌ها را به‌منظور رسیدن به درک عمیق‌تر، در نظر می‌گیرد.
۲. تفکری است که دانش‌آموز به کمک آن، داده‌ها و اطلاعات را تحلیل می‌کند، می‌آزماید و نقد می‌کند.
۳. تفکری است که دانش‌آموز به کمک آن فرضیه‌ها را به چالش می‌کشد و ویرایش‌های جانشین‌شونده‌ای می‌یابد.

منابع

۱. آندروجی، روترهام و دانیل ویلینگهام؛ مهارت‌های قرن بیست و یکم: چالش‌های پیش رو، مترجم: فریده قاسمی. تهران، مجله‌ی الکترونیکی. چشم‌انداز آموزشی، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، ۱۳۹۰.
۲. ویلسون، جنی و مورا، کت؛ آموزش و ارزش‌یابی مهارت‌های زندگی و فکر کردن، مترجم: حسین دانشفر، تهران، انتشارات فاطمی، ۱۳۹۰.
۳. رستگار، طاهره و دیگران؛ کتاب معلم علوم تجربی پنجم، تهران، اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، ۱۳۸۱.

آدم‌های کوچک

اشاره

نخستین بخش از داستان‌های مهرگان را در شماره‌ی قبل خواندید. به گفته‌ی مؤلف، ماجرای این داستان‌های آموزشی واقعی است که با اندکی تغییر ملاحظه می‌کنید. با این توضیح مختصر، داستان دیگری از این مجموعه را در پی می‌آوریم.

با احتساب چند روز تعطیلی قبل از عید نوروز و بعد از آن، تعطیلات حدود بیست روز طول کشید. پس از بازگشت بچه‌ها به کلاس درس، از آن‌ها خواستیم که اگر مایل‌اند خاطرات ایام نوروز خود را تعریف کنند. چند نفر از بچه‌ها دست بلند کردند و داوطلب این کار شدند. هنگامی که بچه‌ها به بیان خاطره‌ی خود می‌پرداختند، چند سؤال هم درباره‌ی نوع وسیله‌ی سفر، رعایت نکات ایمنی کودکان در سفر، جاهای دیدنی،



تصویرگر: ایدامفتد

همه‌ی «کرمی»‌های عالم!

لیچند های کلاسی

پروین نعمتی

آموزگار دبستان ستایش دو، ملارد

روز اول مهر بود. به حیاط مدرسه خیره شده بودم و سعی داشتم هرچه زودتر دانش‌آموزانم را بشناسم و اسامی آن‌ها را یاد بگیرم. متوجه شدم یکی از دانش‌آموزان به شدت گریه می‌کند. به حیاط رفتم. خود را به او رساندم و گفتم: «چی شده عزیزم؟ چرا داری گریه می‌کنی؟» او در حالی که مانتوی مرا می‌کشید و اشک‌هایش را با آن پاک می‌کرد، گفت: «خانم اجازه! اون کرمی منو زد. اون یکی کرمی هم خندید و مسخره‌مون کرد و اون یکی کرمی هم از کرمی اول که منو زده بود، طرف‌داری کرد.»

من که هنوز در فکر دانش‌آموزان جدیدم بودم، برای یک لحظه به فکر فرو رفتم: «وای! امسال من چقدر کرمی در کلاس دارم؟ حالا چه‌طوری اسم این همه کرمی را حفظ کنم؟» از دانش‌آموز گریان پرسیدم: «خوب پسر! یک لحظه آرام باش و بگو ببینم اسم خودت چیه؟» گفت: «خانم اجازه، علی کرمی!» و من تازه فهمیدم که ماجرا از چه قرار است. طفلکی این دانش‌آموز فکر می‌کرد چون فامیلی خودش کرمی است، پس تمام بچه‌های مدرسه هم کرمی هستند!

شهین صادقی

آموزگار دبستان ستاره‌ی نبوت، آبادان

سوگاتی و... از آن‌ها پرسیده می‌شد (سعی می‌شد سؤالات هدفمند و با موضوع درسی تطابق داشته باشد). نوبت به **مهرگان** که رسید، او شروع کرد به تعریف کردن: «بله خانم اجازه! امسال همراه خانواده با هواپیما به اصفهان رفتیم ولی وقتی سوار هواپیما شدیم، در آسمان کوچک نشدیم!» با بهت و حیرت پرسیدم: «مگر قرار بود که شما کوچک بشوید؟» او با قیافه‌ای جدی گفت: «بله خانم باید کوچک می‌شدیم!» همه تعجب کردند! پرسیدم: «چطور چنین چیزی به فکرت رسیده است؟» با اعتماد به نفس گفت: «خوب خانم عزیز! وقتی هواپیما را در آسمان می‌بینم، کوچک است. پس آدم‌های داخل آن هم باید کوچک شده باشند». نفسی به راحتی کشیدم و گفتم: «هان! که این طور...» در این هنگام همه‌ی بچه‌ها با صدای بلند خندیدند؛ در حالی که مهرگان با حیرت به آنان می‌نگریست.

تصویرگر: نیدا اعتماد

توصیه‌ی عاطفه به معلمان

زهره محبوب دنیوی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و آموزگار دبستان نبوت، ساوه

بعد از تدریس درس «اجتماعی»، تصمیم گرفتم همان جلسه و نیز آغاز جلسه‌ی بعد از بچه‌ها ارزش‌یابی کنم. اگرچه درس اجتماعی در این پایه ارزش‌یابی چندانی ندارد و رعایت صرف هنجارها و قوانین از طرف دانش‌آموز ملاک ارزش‌یابی است، ولی برای آگاهی از میزان آموخته‌های شاگردان، ارزش‌یابی شفاهی توصیه شده است. آن جلسه از بچه‌ها سؤال‌هایی پرسیدم. جلسه‌ی بعد نیز تعدادی از آنان سؤالاتی پرسیدم و دیدم که اکثر بچه‌های کلاس در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارند تا این که نوبت به یکی از شاگردان متوسط کلاس به نام **عاطفه** رسید. در یکی از درس‌های اجتماعی سؤالی با این عنوان مطرح شده بود که: «**سخن رهبر انقلاب درباره‌ی دانش‌آموزان چه بود؟**» و جواب کتاب که همان سخن رهبر انقلاب است، چنین آمده است: «دانش‌آموزان امیدهای آینده‌ی کشور هستند. آن‌ها باید خود درس بخوانند تا در آینده افراد مفیدی برای جامعه باشند.»

سؤال مذکور از عاطفه پرسیده شد، در حالی که از سوی وی جوابی شنیده نشده برای گرفتن جواب او را به بیان وظایف خودش به‌عنوان یک دانش‌آموز هدایت کردم. با وجود راهنمایی بنده و تأکید زیاد برای گرفتن جواب مناسب از طرف عاطفه، وی در نهایت اطمینان و خون‌سردی چنین پاسخ داد:

رهبر انقلاب گفته‌اند: «معلمان نباید زیاد سخت بگیرند.»

از این جواب عاطفه یک‌ه خوردم و متعجب شدم که این جواب را بر عدم آمادگی‌اش برای پاسخ‌دهی حمل کنم یا به پای زیرکی‌اش بگذارم. به هر حال جواب وی تلنگری شد برای بنده.

بچه های رنگارنگ

بچه های رنگارنگ

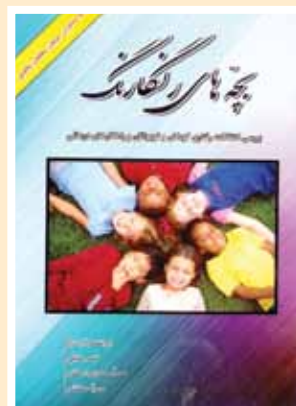
مؤلف: محمدحسن رادمنش و دیگران
ناشر: مؤلف (بصیرت افروز) - (۰۹۱۳۳۵۲۷۱۹۷)
نوبت چاپ: دوم، بهار ۱۳۹۱
قیمت: ۶۸۰۰ تومان

تاکنون در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی مطالب متنوعی درباره‌ی اختلالات رفتاری یا گفتاری خوانده‌اید. کتاب «بچه‌های رنگارنگ» نیز از نوشته‌هایی است که مؤلفان آن در دو فصل به بررسی اختلالات کودکان و همچنین ارائه‌ی راهکارهای درمانی آن‌ها پرداخته‌اند.

اما اختلال چیست و به‌طور کلی چه رفتاری را اختلال می‌گویند؟ راهبردهای روان‌شناسی و تربیتی در تعلیم و تربیت بهتر کودکان و نوجوانان چیست؟

با مطالعه‌ی کتاب به پاسخ بسیاری از سؤال‌های خود خواهید رسید.

محمدحسن رادمنش و همکاران او در تألیف این کتاب - افسر خلیلی، ابوالفضل آزادنیا و سمیه سلطانی - همگی از فرهنگیان استان یزد هستند



آزمونی زیبا برای درس انشا

همه‌ی آموزگاران بخوانند؛ شش‌می‌ها به کار بگیرند

اشاره



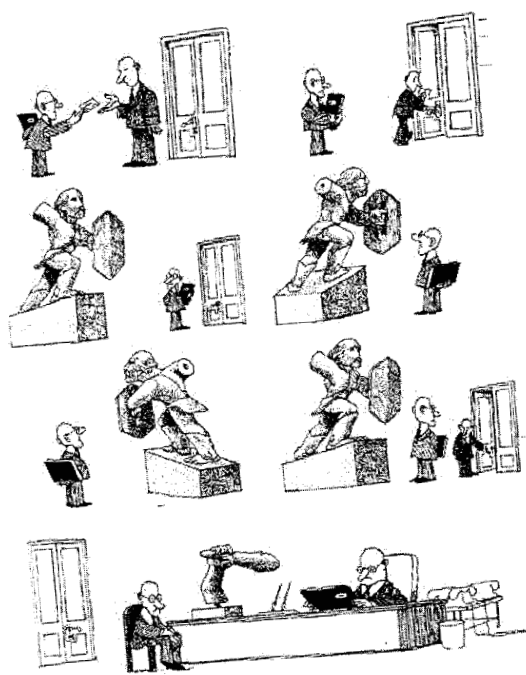
درس انشا یکی از مهم‌ترین و در عین حال مغفول‌ترین درس‌های نظام آموزشی است. از طریق این درس علاوه بر تقویت ذوق ادبی و حسن زیباشناسی دانش‌آموزان، می‌توان زاویه‌ی دید آنان را نسبت به پیرامون و محیط زندگی‌شان

گسترش داد. در برنامه‌ی درسی ملی به ارتباط دانش‌آموزان با چهار «خ» (خدا، خلقت و طبیعت، خود و خلق خدا) توجه شده است و شاید انشا یکی از درس‌هایی باشد که بتواند زمینه‌ها و ابزار لازم برای تحقق این گزاره را فراهم آورد. در برنامه‌های ادبیات فارسی سال ششم ابتدایی، درس انشا و نگارش از جمله درس‌هایی است که به آن بسیار عنایت شده است. برای همراهی با این جریان و برای آن که آموزگاران ششم، از کارهای ابتکاری سایر معلمان خبردار شوند و دیگر آموزگاران هم از کارهای خوب الگوبرداری کنند، آزمون انشای مدرسه راهنمایی خاتم تهران، برای سال اول راهنمایی (که اکنون تقریباً همان ششم است) در نوبت اول سال قبل را که معلم مربوطه آقای **رمضانپور** طراحی کرده است، در ادامه می‌آوریم. سؤالات این آزمون علاوه بر این که مهارت نوشتن را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد، مهارت خوب و عمیق دیدن و درست شنیدن را نیز در کنار پرورش خلاقیت مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین، نکته‌ی مهمی در سربرگ این آزمون به چشم می‌خورد که آن نیز ابتکاری است: «زمان آزمون ۷۰ دقیقه / حداقل زمان حضور ۶۰ دقیقه». یعنی معلم این کلاس، حداقل زمان لازم برای پاسخ‌گویی کامل به پرسش‌های خود را ۶۰ دقیقه می‌داند.

البته همکاران محترم باید در نظر داشته باشند که اجرای آزمون با همین سؤالات برای دانش‌آموزان آن‌ها، ممکن است مناسب نباشد و لازم است با الگوگیری از پرسش‌ها، در هنگام استفاده، انعطاف‌پذیری و هماهنگی پرسش‌های طرح شده با دانش‌آموزان و شرایط مدرسه‌ی خود را در نظر بگیرند.

حرکات انگشت پسرک تغییر داد، بعد خسته شد و رفت داخل لاکش و دیگر بیرون نیامد تا پسرک با یک دنیا بییهودگی تنها بماند...

۵. داستانی را که در تصویر زیر مشاهده می کنید، تعریف کنید.



۶. روی تابلوی اعلانات مدرسه، در راهروی منتهی به کلاس های اول و دوم چه جمله ای درباره ی بهار نوشته شده است؟
۷. مدرسه چند سرویس بهداشتی، چند گلدان در پاگرد، چند تابلوی اعلانات و چند نورافکن دارد؟
۸. در داستان شنگول و منگول و حبه انگور، به عنوان وکیل مدافع، گرگ ناقل را تبرئه کنید!
۹. فکر می کنی چرا باید بنویسی؟
۱۰. صداهایی را که در ده دقیقه ی پایانی امتحان می شنوی، بنویس.

حال با توضیحاتی که داده شد، سوالات این آزمون را در پی می آوریم.

۱. خودتان را طوری با جزئیات تعریف کنید که در کنار دیگر دانش آموزان مدرسه ی خاتم، حتی برای یک فرد غریبه هم با یک نگاه قابل شناسایی باشید!

۲. داستان یا نوشته ی کوتاهی با تأثیر گرفتن از تصویر زیر بنویسید.



۳. با دقت در جزئیات ظاهری مراقب جلسه ی خود، مشاهداتان را بنویسید و در انتها نام مراقب را ذکر کنید.

۴. داستان زیر را به دل خواه خود ادامه دهید و به پایان برسانید.
«علف ها بلند شده بودند و تا پای کوه ادامه پیدا می کردند آفتاب کم کم غروب می کرد و پسرک هر لحظه بیشتر مطمئن می شد که راهش را در میان علف ها گم کرده است. حالا به جایی رسیده بود که رشد علف ها کمتر شده بود. همان جا روی کچلی زمین نشست، زانوهایش را بغل کرد و با خودش فکر کرد که چقدر خوب می شد اگر هیچ وقت راهش را پیدا نمی کرد. روی زمین دنبال چیزی گشت که تا صبح سرگرمش کند. یک حلزون به یک تکه علف چسبیده بود. حلزون را روی انگشتش نشاند. حلزون چند باری مسیرش را به واسطه ی

از این به بعد

کالای ایرانی می‌خریم

اعظم عامری

آموزگار دبستان راه دانش، شاهرود

به خاطر خشکی پوست دست‌هایم، پس از شستن آن‌ها باید از کرم استفاده می‌کردم. یک روز وقتی در کیفم به دنبال کرم می‌گشتم، یکی از دانش‌آموزانم گفت: «خانم اگر کرم نیاورده‌اید، ما کرم داریم. تازه، کرم ما بهتره چون خارجی!»

گفتم: «اگر خارجی من استفاده نمی‌کنم.» پرسید: «چرا خانم؟» در حالی که به نوشته‌ی روی یکی از تابلوهای کلاس اشاره می‌کردم (تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی) گفتم: «همه این عبارت را بخوانند.» کمی درباره‌ی آن توضیح دادم و بحث و گفت‌وگوها شروع شد. صحبت در مورد کیفیت و قیمت، هم‌چنین درباره‌ی فایده‌ی خرید و استفاده‌ی کالای ایرانی و نتیجه‌ی خرید اجناس خارجی صحبت کردم.

در حالی که بحث‌ها ادامه داشت، گفتم: «خرید بعضی کالاها می‌تواند به نفع دشمنان مسلمانان باشد.» همه تعجب کرده بودند. پس از مختصر توضیحی که دادم زنگ خورد. روز بعد دیدم بچه‌ها وسایلی

مانند کرم و لوازم التحریر و اسباب‌بازی‌های ایرانی

به کلاس آورده‌اند. آن‌ها می‌گفتند: «ما

سعی می‌کنیم از این به بعد کالای

ایرانی بخریم؛ چون نمی‌خواهیم

به دشمنان مسلمانان کمک

کنیم.»



تصویرگر: مصطفی موسوی



اکرم باقری شاد



پروین نوروزاده

من دانش آموز شاگردانم هستم!

گفت و گو با دو آموزگار پر تجربه و مؤلف از ناحیه‌ی سه کرج

اصغر ندیری

عکس: رضا بهرامی

اشاره

در مدرسه‌های کشور آموزگاران نوآور و فعال بسیاری حضور دارند که دارای کوله‌باری از تجربه هستند و بی چشم داشت، آموخته‌ها و دانسته‌های خویش را به دانش آموزان و دیگر همکاران انتقال می‌دهند. این بار به دبستان پرتو دانش از ناحیه‌ی سه کرج رفته‌ایم و با دو آموزگار با سابقه و تلاش‌گر به صحبت پرداخته‌ایم. یکی از این تلاشگران خانم پروین نوروزاده، ۳۴ سال سابقه‌ی تدریس دارد و در قسمت‌های مختلف آموزشی کار کرده و تجربه اندوخته است. او می‌گوید: «اما هیچ جایی بهتر از کلاس درس نیست. من دانش آموز شاگردانم هستم.» آموزگار دیگر خانم اکرم باقری شاد است که از سال ۱۳۵۹ وارد عرصه‌ی تعلیم و تربیت شده است و به کار خود عشق می‌ورزد. از شما مخاطبان گرامی دعوت می‌کنیم نخست به گفت و گو با نوروزاده و سپس به سخنان باقری شاد توجه فرمایید.

○ خانم نوروزاده کار را از چه سالی شروع کردید و ادامه دادید؟

من لیسانس آموزش ابتدایی هستم و فعالیت را از سال ۱۳۵۷ و در استان خوزستان شروع کردم. شش سال اول خدمت را از سال ۱۳۵۸ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در روستای جنگیه در اطراف اهواز گذراندم.

در واقع ادامه‌ی کار من هم سخت و هم راحت بود. راحت و شیرین از این نظر که در روستا تدریس می‌کردم و سخت از این نظر که زمان جنگ بود و فرزندانم در اهواز می‌ماندند. به هر حال، از ۱۳۷۷ به دلیل انتقال همسر من به تهران من هم به استان البرز منتقل شدم.

○ فعالیت‌ها و برنامه‌های کاری شما چه بوده است؟

من معلم راهنما بودم و هم‌چنین در گروه‌های آموزشی شهرستان‌های استان تهران و نیز پیش دبستانی خدمت کرده‌ام. به همین دلیل ایده‌هایی به مربیان می‌دادم و آن‌ها نیز اجرا می‌کردند. به اعتقاد من مربی‌ها توانایی خاصی دارند و در اثر این فعالیت‌ها نیروهای برتر شناسایی می‌شوند. در زمینه‌ی

شعر و قصه و نمایش خلاق فعالیت‌هایی را تنظیم کرده‌ام. کارها و تجربه‌هایم را نخست یا با فرزندان خودم اجرا می‌کردم یا از نتیجه‌ی کارهای دیگر برای آن‌ها اجراهایی داشتم. به این ترتیب آن‌ها را نیز وارد کار و فعالیت می‌کردم. در پی این حرکت‌ها بود که مسئولیت گروه نمایش خلاق به من داده شد. بچه‌ها منبع خلاقیت هستند و در حقیقت به نوعی الهام‌بخش من بوده‌اند.

○ در این جا کتاب‌هایی را می‌بینم که نوشته‌ی شماست. درباره‌ی آن‌ها توضیح دهید.

کتاب «نمایش خلاق» حاوی موضوعاتی به زبان شعر است. در واقع، آن‌ها اتفاقاتی هستند که برای من افتاده‌اند و سپس توانسته‌ام آن‌ها را ثبت کنم.

کتاب «کار مربی» در ارتباط با واحدهای کاری مثل «مسجد»، «ایران» و «بازار» و غیره برای پیش دبستان است. کتاب «مبانی علمی برای پیش دبستان» در زمینه‌ی نمایش خلاق، نقاشی و کاردستی است. این کتاب اهمیت دوره‌ی پیش دبستان و ارتباط آن با

پایه‌های بعدی را نشان می‌دهد.

○ نظر شما درباره‌ی ارزش‌یابی توصیفی چیست؟

در ارزش‌یابی کمی یا نمره‌ای دانش‌آموزان دچار اضطراب ناشی از کم یا زیاد شدن نمره هستند. مثلاً در خانه به دانش‌آموز گفته می‌شود اگر نمرات کم شد به خانه نیا. با تغییر نوع ارزش‌یابی، احساس اضطراب دانش‌آموزان کم می‌شود. البته اگر ارزش‌یابی توصیفی پشتوانه‌ی اجرایی محکم داشته باشد، دارای آینده‌ی خوبی خواهد بود. از شائبه‌هایی که وجود دارد، احتمال بی‌سواد بار آمدن دانش‌آموزان است، اما در مجموع اضطراب آن‌ها را کم می‌کند.

○ چه خاطره‌ای از تدریس در مناطق جنگی دارید؟

در خوزستان مناطق دوزبانه کم نیست. دانش‌آموزانی داشتم که فارسی نمی‌دانستند. دانش‌آموزی بود که در حد «من بخوانم» فارسی را حرف می‌زد. روزی اجازه گرفت. در حالی که کتاب را به صورتش چسبانده بود، خواند: «بود... اردک!» با شنیدن صدای

او متوجه شدم که کتاب را برعکس گرفته است و از خودش چیزهایی می گوید. کتاب را برگرداندم. عصبانی نشدم و نگفتم: «حالا پس از چند ماه، چرا نمی توانی بخوانی؟» با حوصله کتاب را به دستش دادم و پشت سرش ایستادم تا درست بخواند و پیش هم سالانش شرمندۀ نشود. بچه ها می خواستند به او بخندند اما اجازه ندادم. به آهستگی درس را زمزمه کردم و او هم با من تکرار کرد.

○ در کنار تألیف کتاب های جدید، چه موارد دیگری شما را به ادامۀ کار امیدوار تر می کند؟

امید من به خود بچه ها است. سطح سواد خانواده هم مهم است. به ویژه مادر نقش اساسی تری دارد؛ زیرا زمان بیشتری را با فرزند می گذراند.

گاه می بینیم فصل های درسی کتاب های پایۀ اول تناسب ندارند. این احساس به من دست می دهد که شاید مؤلفان بچه ها را به اندازۀ آموزگاران نمی شناسند.

من در تدریس خود به بچه ها فرصت تفکر می دهم و می گذارم راه حل های دیگری را نیز بیابند.

○ دانش آموزان به کدام کتاب پایۀ اول علاقه نشان می دهند؟ چرا؟

به کتاب علوم؛ چون طبیعت در آن نقش

دارد. با دیدن تصاویر، بچه ها کنجکاو می شوند. باید دانش آموزان را به طبیعت علاقه مند کرد و از تشویق آن ها غافل نشد. در این درس، همواره متن را مستقیماً برای بچه ها نخوانده ام بلکه با استفاده از محتوا و عکس ها، پیام را به دانش آموزان رسانده ام. در این راه از اطلاعات پایۀ آن ها نیز بهره می برم.

○ آموزگاران در پایۀ اول ابتدایی، کدام درس را بهتر از بقیه تدریس می کرد؟

آموزگارم در کلاس اول ابتدایی، ریاضی را به شیوۀ مناسب و همه فهم و دوست داشتنی تدریس می کرد. او درس را طوری تشریح می کرد که انگار دارای روح است. حالا من این علاقه را به دانش آموزان منتقل می کنم.

○ در کارهای شما آثار خوش نویسی هم دیده می شود. آیا خوش نویسی هستید؟

این در من زمینه ای ارثی دارد. البته همسر من نیز به خوش نویسی می پردازد و این انگیزه ای است تا من هم تمرین کنم. این موضوع باعث شده است که در کلاس به خط بچه ها توجه کنم. به دنبال آن وضع نوشتن بچه ها نیز بهتر شده است. آن ها خط زمینه را شناخته اند و تنها پس از گذشت پنج ماه از

آغاز سال تحصیلی می دانند کدام حرف بالاتر از خط کرسی و کدام حرف در وسط یا زیر خط کرسی نوشته می شود. ضمناً دانش آموزانی را هم که استعدادی در خوش نویسی دارند، شناسایی و به انجمن خوش نویسان معرفی می کنم.

○ در میان آثار شما برنامه ی هفتگی تصویری به چشم می خورد. دانش آموزان از آن چه استفادۀ می کنند؟

این برنامه نوآوری خودم است. برای این که بچه های پایۀ اول از ابتدا خواندن و نوشتن نمی دانند، برنامه ی درسی آن ها را با شکل می نویسم. به این ترتیب از روز اول آن ها یاد می گیرند کارهایشان را شخصاً انجام دهند و کمتر به خانواده وابسته شوند. این برنامه در املا، ورزش، هنر، حساب و فارسی کاربرد دارد. در تنظیم برنامه به مناسبت های ماه توجه دارم و درس هایی را که ساعت های بیشتری دارد، به روزهایی می اندازم که تعطیلی کمتری به آن ها می خورد.

○ جمله ی پایانی شما چیست؟

درباره ی «معلمی» می گویم که رشد ادامه دار است. در این سال ها از دانش آموزان خود بسیار یاد گرفته ام. من دانش آموز شاگردانم هستم.

○ همان طور که در بخش اشاره ذکر شد اکرم باقری شاد نیز از آموزگاران فعال و پرسابقه است. او تنها عامل دوام معلم و صلابت در کارش را علاقه و عشق می داند. با دقت در این که این آموزگار سال های بسیاری را در پایۀ پنجم تدریس کرده است، از وی می پرسیم: «آیا پایۀ ششم و تقسیم بندی جدید ۳-۳-۶ را می شناسید؟»

دورۀ حضوری آشنایی با این نظام و مطالب کتاب ها و نحوه ی تدریس را گذرانده ام. خود نیز مطالعاتی بالاتر از پایۀ پنجم ابتدایی داشته ام و آشنایی یافته ام.

○ آیا اصولاً پایۀ ششم دورۀ شبیه ابتدایی است؟

به نظر من دورۀ است که دروس تخصصی مانند حرفه وفن یا زبان خارجی ندارد. فکر می کنم مطالب پایۀ پنجم سلسله وار در آن پیشرفته تر می شود. مثلاً دانش آموز اگر در پایۀ پنجم، تقسیم اعشار را خوانده است، این جا کسر اعشاری را هم می خواند. حرفه وفن ندارد اما در علوم مطالبی هست که به آن سمت می رود و به این ترتیب، مهارت های زندگی مطرح می شود.

○ آن گونه که مشخص است، شما آماده اید تا در پایۀ ششم تدریس کنید. اصولاً نظر شما درباره ی ۳-۳-۶ چیست؟

جواب شما را به گونه ای دیگر می دهم. در واقع در آموزش های ما نقایصی وجود دارد. در طول سال های خدمت خود دیده ام که اهداف نهفته ی درس ها به دلیل تعجیل در تدریس، آشکار نمی شود. گاهی معلم به سرعت درس می دهد و به سرعت از دانش آموزان می پرسد: «خب، بچه ها پس نتیجه چه شد؟» آموزگار باید با فراغ خاطر وارد دورۀ خدمت شود و ابزارسازی و حل مسئله را بیاموزد. اگر این موضوعات رعایت شود فکر می کنم ساختار آموزشی ۳-۳-۶ به موفقیت های مدّ نظر خود برسد.

آموزش وزن به دانش آموزان

سپه‌پلا حامدی (جنگ)

آموزگار دبستان حضرت صدیقه کبری (س)
بندر امام خمینی (ره) خوزستان



هدف: آموزش گرم و کیلوگرم

وسایل مورد نیاز: چند وزنه‌ی مقوایی به رنگ‌های مختلف از بزرگ تا کوچک (کیلوگرم، صدگرم، ده‌گرم، یک گرم)، یک ممیز مقوایی به رنگ قرمز.

به دانش آموزی یک وزنه‌ی «یکان» - که نشان‌دهنده‌ی کیلوگرم است - و به دانش آموز دیگر مقوای ممیز قرمز رنگی می‌دهیم. سپس دانش آموز دیگری را صدا می‌زنیم و به او دو وزنه‌ی صدگرمی - که نشان‌دهنده‌ی «دهم» است - می‌دهیم. به دانش آموز دیگری هم چهار وزنه‌ی ده‌گرمی - که نشان‌دهنده‌ی «صدم» است - می‌دهیم. به پنجمین دانش آموز سه وزنه‌ی یک‌گرمی می‌دهیم که نشان‌دهنده‌ی «هزارم» است. از بچه‌ها می‌خواهیم بگویند به ترتیب چند وزنه‌ی یکان در دست دوستانشان وجود دارد. بعد به یکی از دانش آموزان می‌گوییم که این عدد را با گچ سفید روی زمین بنویسد. سپس دانش آموز بعدی که نمایش بازی می‌کند، همراه شعر خود را معرفی می‌کند (پشت هر مقوا شعری نوشته شده است). به همین ترتیب دانش آموزان هر کدام شعر خود را می‌خوانند و از بچه‌ها می‌خواهیم که بگویند چند وزنه‌ی صدگرمی، ده‌گرمی، یک گرمی در دست دوستانشان وجود دارد. هم‌چنین دانش آموز ادامه‌ی عدد را روی زمین می‌نویسد و معلم بچه‌ها را راهنمایی می‌کند که عدد ۱/۲۴۳ یک کیلوگرم و دویست و چهل و سه هزارم گرم خوانده می‌شود. در ادامه، معلم وزنه‌ها را کم و زیاد می‌کند و مثال‌های دیگری می‌زند. به این ترتیب، معلم این درس را به صورت بازی تدریس می‌کند.

* توضیح دفتر مجله: از ارائه‌ی

شعر همراه با این تجربه، به دلیل آن که فاقد وزن و قافیه بود، خودداری شد. شعر ارسالی همکار محترم فقط دارای ریتم بود و طبیعی است چنین شعرهایی به دلیل آن که فقط می‌توانند به وسیله‌ی خود ابداع‌کننده‌ی ریتم به کار بروند، قابلیت تعمیم ندارند.

پاستل یا پاستیل؟

راشین شحیب‌زاده

آموزگار دبستان میلاد، بندر ماه‌شهر خوزستان

به بچه‌ها گفتم فردا با خودشان پاستیل بیاورند، چون می‌خواهیم کار جدیدی انجام دهیم. فردا از بچه‌ها خواستم وسایل کارشان را روی میز بگذارند و برگه‌ی سفیدی نیز به همه‌ی آن‌ها دادم، اما با تعجب دیدم که روی میز بعضی از بچه‌ها به جای پاستل نقاشی، پاستیل خوراکی قرار داده شده است. وقتی خود بچه‌ها به روی میزهای هم‌دیگر نگاه کردند، ناگهان ولولهای در کلاس راه افتاد که آمیزه‌ای از خنده و تعجب بود!



معلم این است!

کبری محمودی

مادر یک دانش‌آموز دوره‌ی ابتدایی

سخن بگویند نه با زبان منفی، گله، شکایت، غرولند و تهدید. وی مثال آورد که اگر در خانه به دانش‌آموز املا می‌گویید و او غلط می‌نویسد، غلط‌هایش را پررنگ نکنید که هم من ببینم و هم خودش. کلمه‌ی غلط را به فرزندتان نشان دهید؛ از او بخواهید اشکال آن را بیابد و دوباره کلمه‌ی صحیح را بنویسد. به او نگوید غلط نوشته‌ای، بلکه بگوید این کلمه به فلان شکل درست است.

وقتی بچه سرگرم بازی و لذت‌بردن است، صدای شادی و خنده‌اش را با گفتن این جملات که: «مگر تو درس نداری!، مشق‌هایت را نوشته‌ای؟ کاش یک ذره هم موقع درس خواندن این طوری می‌خندیدی» قطع نکنید. یک‌باره او را سرزنش نکنید؛ طوری که ناخودآگاه گمان کند بازی در تضاد با درس است و موفقیت در گرو تمرین دیکته و ریاضی. وقتی در حال نقاشی کشیدن است، او را سرزنش نکنید که یک کم هم ریاضی کار کن! کمترین برخورد صحیح این است که مثلاً از او بخواهید شکل اعداد را بکشد، با نقاشی جمع و تفریق اعداد را نشان دهد و از این قبیل تمرین‌ها.

تمام تابستان همواره نگرانی‌ام این بود که چه‌طور از آموزگار کلاس ۳۵ نفری مدرسه‌ی دولتی بخواهم به پسر من توجه کند، او را ببیند و بشنود، به شخصیتش احترام بگذارد و در یک کلام، تفاوت‌های فردی‌اش را در نظر بگیرد. حالا که چهار پنج ماهی از آغاز سال تحصیلی می‌گذرد، خوش‌حال و خرسندم از این که این جریان برعکس شده است. معلم فرزندم، آموزگاری که هر روز و هر سال با تعداد فراوانی از دانش‌آموزان هم‌سن و سال پسر من برخورد دارد، از من می‌خواهد با دانش‌آموز هشت نه ساله طوری برخورد کنم که مبادا روی او تأثیر منفی بگذارد. می‌خواهد جملات مثبت را به کار گیرم و هشیار باشم که مبادا با جملات منفی، شخصیت و اعتمادبه‌نفس او را خدشه‌دار کنم.

روز اول مهر، وقتی پسر من از مدرسه به خانه آمد، از او پرسیدم: «معلمت چه‌طور است؟ امروز چه کار کردی؟ دوستانت چه‌طور بودند؟» در برابر این همه سؤال، کودک هشت ساله‌ی من فقط یک جواب داشت: «خوب بود. مامان، معلم ما خیلی با منطق است.» از این ترکیب‌بندی او برای «با منطق»، هم خوشم آمد و هم خنده‌ام گرفت. حرفش آن قدر برایم جالب و مهم بود که بلافاصله پرسیدم: «چه‌طور مگر؟ چه کار کرده؟»

پسر بچه‌های هشت نه ساله را که می‌شناسید. معمولاً حوصله‌ی توضیح دادن ندارند. بنابراین پسر من گفت: «نمی‌دانم. از حرف‌هایش معلوم بود که خیلی با منطق است.» و رفت تا به بازی‌اش برسد.

به تجربه می‌دانستم که چون امروز روز اول مدرسه بوده، معلم حتماً روش و طرز کار خود را برای بچه‌ها توضیح داده است، اما این برایم جالب بود که آموزگاری برای دانش‌آموزان پایه‌ی دوم ابتدایی قوانین کلاسی و طرز کارش را چنان توضیح داده که دانش‌آموز به خوبی هم قوانین و هم آموزگار را پذیرفته تا جایی که خانم آموزگار خیلی هم منطقی به نظر آمده است.

این پیش‌زمینه را از معلمش داشتم تا این که به اولین جلسه‌ی ملاقات جمعی والدین با آموزگار هر پایه دعوت شدم. با آموزگار میان‌سال‌ی روبه‌رو شدم که اتفاقاً حوصله‌ی بچه‌ها را بیشتر داشت تا حوصله‌ی پدر و مادرها را. انتظار داشتم قوانین کلاسی‌اش را مثل بعضی معلمان برای اولیا هم شرح دهد تا آن‌ها نیز یک‌بار دیگر قوانین را برای بچه‌هایشان توضیح دهند که به قولی محکم‌کاری شده باشد اما

برخلاف این انتظار معلم از اولیا خواست که در کار کلاس و تدریس دخالت نکنند، بلکه فقط بچه‌ها را حمایت کنند. به ما تذکر داد که به بچه‌ها در خانه تدریس نکنیم و این مقوله‌ی تخصصی را به عهده‌ی معلم بگذاریم. از این‌ها مهم‌تر، مدام به پدر و مادرها یادآوری می‌کرد که با زبان مثبت با بچه‌ها

